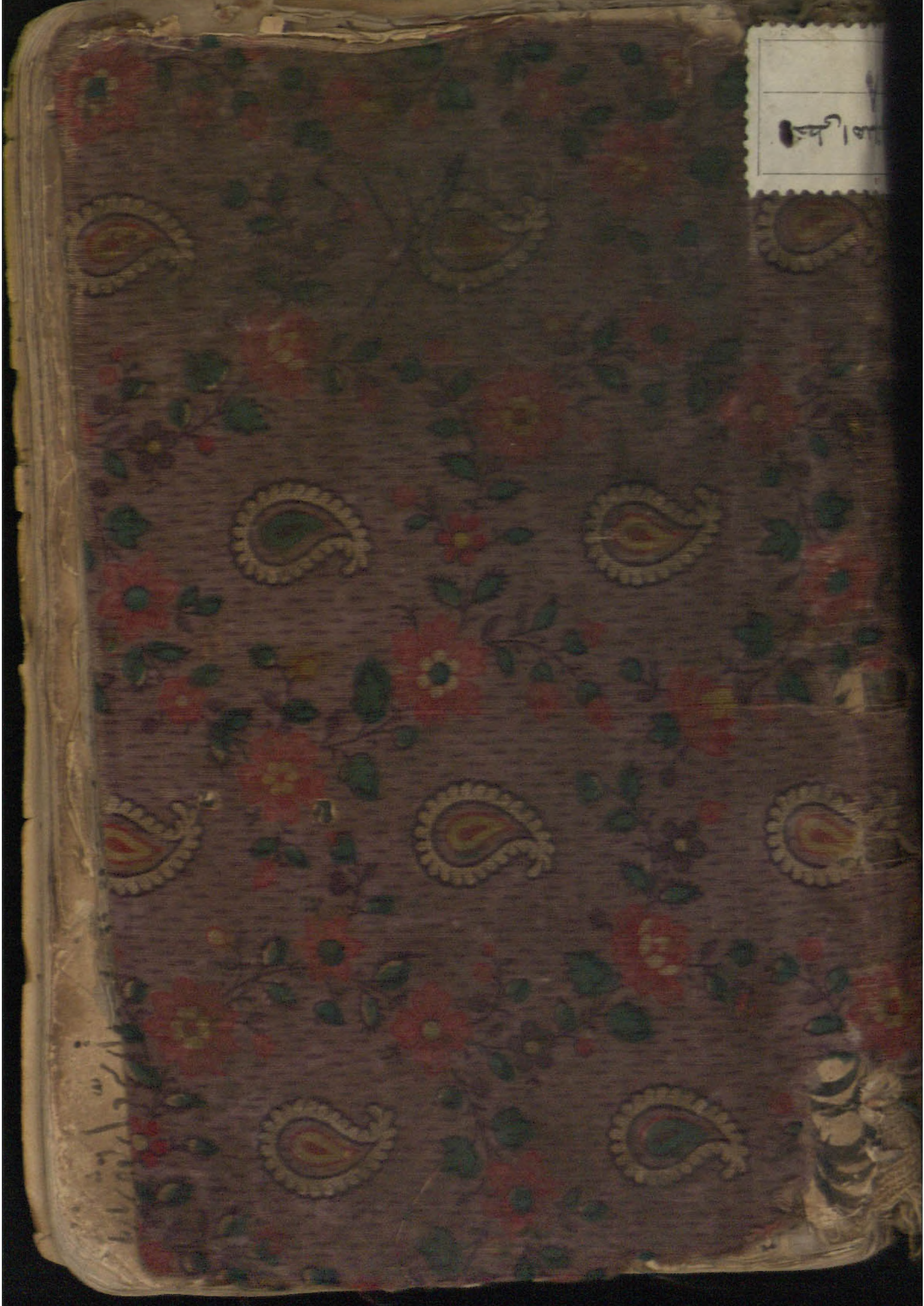
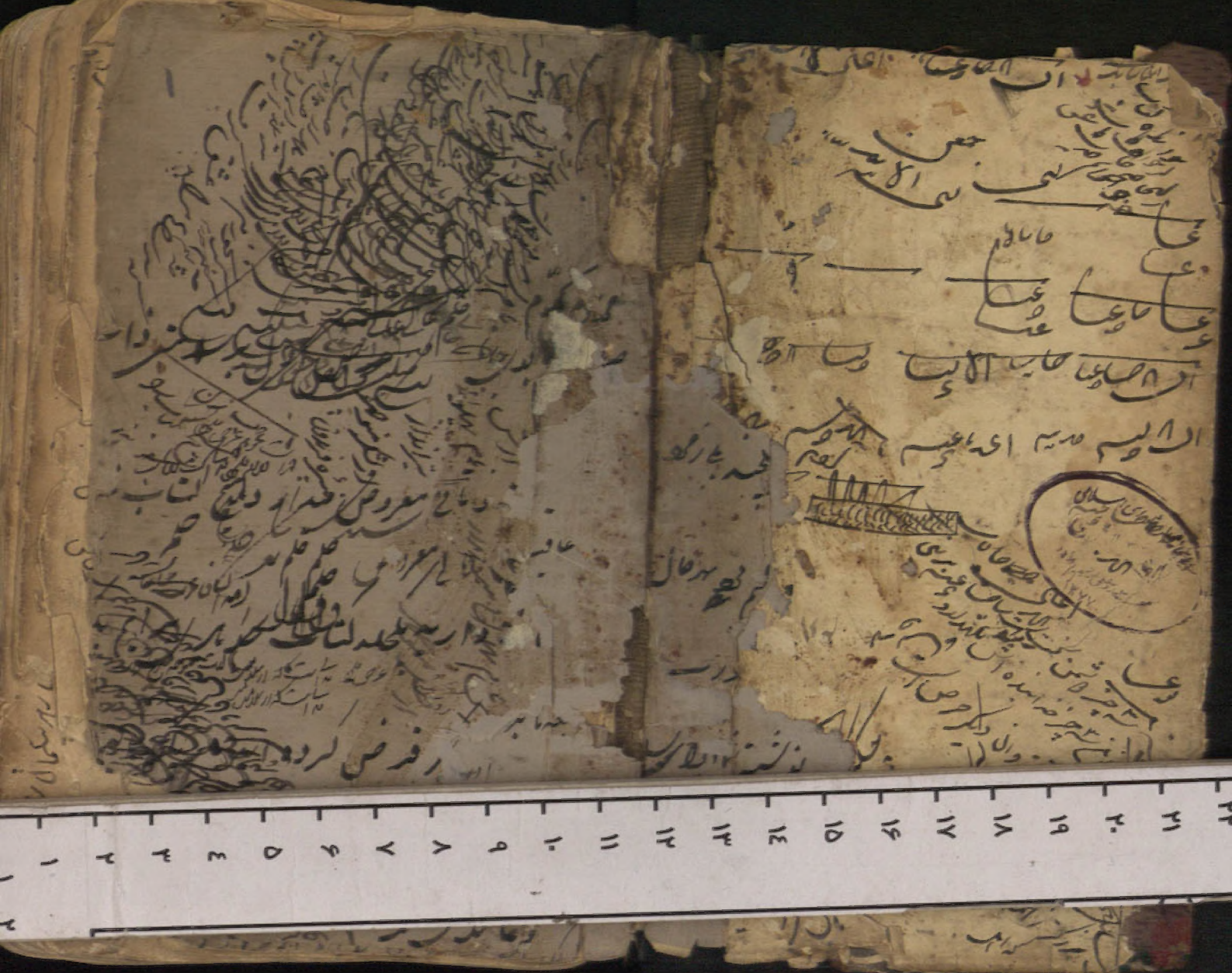


٨
کتابخانه



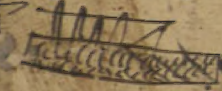
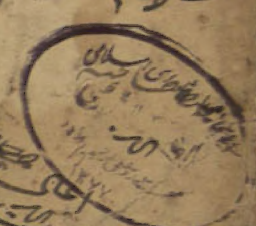


انصاف
در امور
مجلس

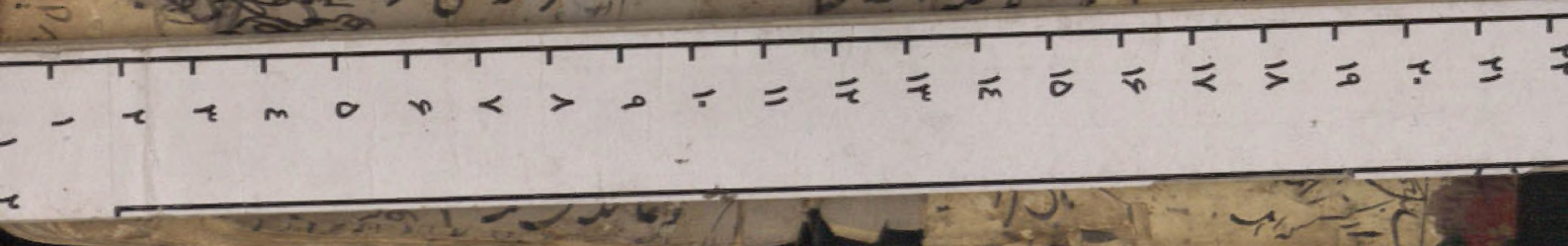
عناوین
مجلس

از هیئت عالی

الکلیه



کتابخانه
مجلس
تاریخ
تألیف
تصحیح



Handwritten manuscript in Persian script, heavily damaged and stained. The text is written in a cursive style, typical of historical Persian documents. The left page is mostly illegible due to damage, while the right page contains more legible text, including a circular stamp or seal. The manuscript is bound in a simple, worn cover.

۱۶
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱
۱ ۲

...مکان ...

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

در حکایت سرودن قتل ارباب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على خير خلقه محمد وآله اجمعين اما بعد
حين كويد ابو نصر فرمى كتاب بن خنجر كعلم
صيد حايده وحفد حاسكه ما حركت
الشمال النخل الدقيق وتحركت الشمال النخل
الدقيق كه چون صبيان را بشير از قلم لغت
رغبت مى افتد با شعار فان مى چون خوش
آمدن شعر مرطبه هاى موزون و غزلت
و چند

و چند بيت كه طرايط بود مر مر حفيار علوم
بمیان این قطعه ها را و در قديم را بخواندن و نو
از قطعه و قلم لغت عرب كليمه علمهاست تا
في تكلف ياد كيرند و آنرا دوست بديت
بديت آمد و آنرا نصاب المصبيان نام كرديد
چه اندك تقارب غني ياد رون
به تقطيع و زلفش چنين كن برون
نقول نقول نقول نقول
و هو و لغت را فلک و همون
القطعه الاولى في بحر التقارب
از اين اوليه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على خير خلقه محمد وآله اجمعين اما بعد
حين كويد ابو نصر فرمى كتاب بن خنجر كعلم
صيد حايده وحفد حاسكه ما حركت
الشمال النخل الدقيق وتحركت الشمال النخل
الدقيق كه چون صبيان را بشير از قلم لغت
رغبت مى افتد با شعار فان مى چون خوش
آمدن شعر مرطبه هاى موزون و غزلت
و چند

و چند بيت كه طرايط بود مر مر حفيار علوم
بمیان این قطعه ها را و در قديم را بخواندن و نو
از قطعه و قلم لغت عرب كليمه علمهاست تا
في تكلف ياد كيرند و آنرا دوست بديت
بديت آمد و آنرا نصاب المصبيان نام كرديد
چه اندك تقارب غني ياد رون
به تقطيع و زلفش چنين كن برون
نقول نقول نقول نقول
و هو و لغت را فلک و همون
القطعه الاولى في بحر التقارب
از اين اوليه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على خير خلقه محمد وآله اجمعين اما بعد
حين كويد ابو نصر فرمى كتاب بن خنجر كعلم
صيد حايده وحفد حاسكه ما حركت
الشمال النخل الدقيق وتحركت الشمال النخل
الدقيق كه چون صبيان را بشير از قلم لغت
رغبت مى افتد با شعار فان مى چون خوش
آمدن شعر مرطبه هاى موزون و غزلت
و چند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على خير خلقه محمد وآله اجمعين اما بعد
حين كويد ابو نصر فرمى كتاب بن خنجر كعلم
صيد حايده وحفد حاسكه ما حركت
الشمال النخل الدقيق وتحركت الشمال النخل
الدقيق كه چون صبيان را بشير از قلم لغت
رغبت مى افتد با شعار فان مى چون خوش
آمدن شعر مرطبه هاى موزون و غزلت
و چند

الم آت الله رحمن خدای

دلیل است هادی فکون

محمد ستوده امین استوار

بقرآن ثنا گفت و پر خدای

صحابت یاران آل اهل بیت

که اسلام و دینت از لسان بیای

سما آسمان از فرغ غبار زمین

محل مکان معانیست حای

محل مکان معانیست حای

Handwritten marginalia in Persian script on the right side of the right page.

به نقش قفا حیره و جردی

خذران عقب با تله جلای

شند لب لسان چرخ زبان فم دهان

یل جبار حردست حلقه نای

و سر اسب بعل استر سحرین

بغیر اشتراک جبر و جبرای

رجل مرد و عراده زن روح جفت

غنی و خالدار است مشکین کردی

Extensive handwritten marginalia in Persian script on the left side of the left page.

قنات کاین عذب آب خوش

چه یکنوع چشم حناء لای

کران عود بربط و ترشعه رود

ولی سنج چنگت صفا نای

عقربا و هیسم چه هرما سر شیر

صیغه غریبه چندان بشدای

هدی راستی کذب فرید دروغ

عقیق حصود و ریج پارسای

بلد

بلد کوه راس شهر آن شهر ماه

دیگر و تدا طاق دان طاق نای

شون چاه هاروشی

شور است و بل بود و یلای

عیون شور چشم پلید است کند

بود کونع المعی تیرای

حق جدید غیر خرای سر اولد

ما کیرا دخل درای

فیع داخل شد

بسم الله الرحمن الرحیم
در شهر ماه
دیگر و تدا طاق دان طاق نای
شون چاه هاروشی
شور است و بل بود و یلای
عیون شور چشم پلید است کند
بود کونع المعی تیرای
حق جدید غیر خرای سر اولد
ما کیرا دخل درای
فیع داخل شد
بلد کوه راس شهر آن شهر ماه
دیگر و تدا طاق دان طاق نای
شون چاه هاروشی
شور است و بل بود و یلای
عیون شور چشم پلید است کند
بود کونع المعی تیرای
حق جدید غیر خرای سر اولد
ما کیرا دخل درای
فیع داخل شد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آل محمد الطيبين الطاهرين

الفصل الثاني في الحج

أبى بكاش جانما قتلور سردور دان

رخ نور فلک دلمر مایان

مفاعیل فعات مفاعیل فعات

بکور محبت این کار افش بر خوان

ضیاء خود بشماروشنی افش کمان

فتح خفیف بجوان سبک شعل کمان

ذهب ندر است حلیه یمن رضا ایند رشت

کجی سیم زجاج آئینه معبد کمان

کودالدار سم آب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آل محمد الطيبين الطاهرين

نخاس من صفروی آتکت سرب خواجه بیار بزرگ

حلیت زیدو غالی کمان خضران کمان

جوان سیف عصامت عصب صار میخ

مختار جند سیر سهم تیر قوس کمان

عصب فی یلبه جوشن آتدع ذره

و هو کند و ولی یضل معبد کمان

عدت نشانه عرض من جعفر حکم است

نورده آمد معاضه کمر میدان

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آل محمد الطيبين الطاهرين

فیلما شد خوشتران جوان

الثالثة في عمر الرسول

از زمانیکه عیادت هم می نمود و اگر عیقم از دست می افتست می خورد و می خورد
و عیقم از دست می افتست و عیقم از دست می افتست

[illegible]

جیلد کریم صمدی سینڈر کیون انوار السیر

نوروزی دادگوشاب در

عزیز صوفیہ بیت خانہ کلہر مہر آباد

من حوایج رشتی ها و خاک طریقه

حصار

عجاج نفع تمام هباء مع غبار

کلوز خستکی موت مراک عمره نواک

حقاشه باقی جان عرضده آورد

قراضه ریژودد ربح سو فخر زیاد

يَفُوتُ لِسْرَاحِوْقُتْ بَعْلُ وَدَّ عَزَى وَ...

سواع لات مناسبت نامهای ستان

صلى الله عليه وسلم

وثنیبت وثنیبت پرست و الیہان

و مشارق نام است تلفظ آن به

دفن

✓ $\frac{1}{2}$ ✓

در تمام متزیده و قهیاره و رش کهن
۴۳ ۵۵ ۶۲

اظهاره و پره دان نظام احسن
۷۷

مع اطرشیدمان او می باشد نام کرک
۷۷ ۷۷ ۷۷

فرض محوه نام خرمه اش و میدان نام
۷۷ ۷۷ ۷۷

ششده مجتر سجد دیدن دانست خوی
۷۷ ۷۷ ۷۷

عنیت باران تلخ بر و تار نو بلبلان
۷۷ ۷۷ ۷۷

زیره دان یکپانه آفرین کشته و یکپاره نان
۷۷ ۷۷ ۷۷

صلوة دان یکپانه آفرین و یکپاره یکپاره
۷۷ ۷۷ ۷۷

زهر طراوت و دست لعلی مهره و در و خرمه و سوس و خوش رفتار

مرا عن نعلات و مهره و نعلات از برکت این کرا و خوش رفتار

القطعة الذی یقر فیها الحقیقة

و لم یجبر که آستین سیه سنیار
۷۷ ۷۷ ۷۷

جید و بل و امر حجام است که بندار
۷۷ ۷۷ ۷۷

قطاب جیب سرا و بل از از خف مود
۷۷ ۷۷ ۷۷

عتاد سار و جزیل و زله مهره
۷۷ ۷۷ ۷۷

مدینه بلاد و مرشده و سدر و نص
۷۷ ۷۷ ۷۷

چنانکه معرفت شکرت و معرفت حصار
۷۷ ۷۷ ۷۷

۷۷ ۷۷ ۷۷

در تمام متزیده و قهیاره و رش کهن
۴۳ ۵۵ ۶۲

عشر شصت سین ہفتاد باں سبعین

و یک نمایان تعیین نویسی
عنه انودیدار

عقار حقو راج ملا مرقف مح

۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲
کلی دلاور خان و سولہ
۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲

عرب بلاست صور خلاف نازید

[illegible]

٢٠٠

حد طالع و قسط محمد در خان طالع و قسط

عبد اصل شکر گوشتی کھڑا سردار

نصائح

تصاوت گرفتن حدست یکدیگر

نفاقت کران حد و یلک

قبیلہ عسجدیہ خط فرقہ کرو
۲۲۶۲۲۲

میں انکے ایم خیر اخذ مت شمع

بطوریکہ ان کے لئے ایک خاص مقام ہے۔

بسم الله الرحمن الرحيم
٢ ٢ ٢ ٢ ٢

تسیر فرود دھندل حمیر جمع ہمار

شمامه عطر بود بری بود انجور

ميدوقه قوتو ساء العود في طلب

من شهادت جماعة كتب الله علي حقه

Handwritten text in Persian script, likely a title or header, partially visible at the top of the page.

مذبحاده سال بر فاده لبک
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

بلات جلتین آرقار
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و جفر شست و دشت و خیک بر یک
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

ذلیل راه و و سفتی قظیلار
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

عوان تلبک کالبر و ب شوهر و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و لهر و ده بار یک میباید است و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

مراج جای شتر و جفر است جای غنم
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

کناس طان جای و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

۱۴
۱۴
۱۴
۱۴
۱۴
۱۴
۱۴
۱۴
۱۴
۱۴

و قیصر دان جوخه و علف آخوردی
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

علیق و توره نشور و جفر و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

القطعة السان شتر و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

بر و و و و و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و و و و و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و و و و و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و و و و و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و و و و و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

و و و و و و و و و و و
۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

فلق سید سفقو شنی را و لاش

بیدر صفتر زن بنتا بر تل ختر

حاصل برة بقر قدا و عجل الجیش

میران رفون لخال کبد سیزر حکر

عید و یق و المیر امام یق و سطمیان

سطمیان تحت یزوق و یز

فلت سستد ان قلیکرتیک الشقوق

شهاب و کبیری بجم جراتر

و حمه قلاب و هذان جو مظهر داماد

چنانکه صخر و الدالبت یلر

زکیت یزاع و جبر و انشمنه

ادب و اسودان ارب و هنک

زکیت یا اعفی مهران خفی بنهان

جلی بیدال بنی رسول یغامبر

ملاک و رشتة فالت حرج مشری جید

شهاب و کبیری بجم جراتر

شاه خورشید چو پیران خلیفه

خمر بر انگشت ز باد خاکستر

عجیب خمیر و قیق آرد ناله شویث

ایام نان خور قند سکر است شکر

حراره تنک سقر یوسف جام لکام

عنان دلاوی منطق نطق کر

و کان کز بود کج صبر و صراف

سوق سینه جلا نیش آتشگر

سوار دست بر بختن چو پیران خلیفه

و شاح عقد جمایل عات تاج آفسر
۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶

بدی تحسین ثانی دیو و آخر لبین
۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱

نقیض اولی آخری اخلاصت و یک

فنیس کز یاقوت قیاس و یکر
۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶

لطیف همی خمار است و منفرد همی
۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱

اجاج تلخ تفنن خرم و ملح شود
۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶

فراک عذیب و یکر و یکر
۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱

جود فیض جود و بخشش جود و نیکی جودت

و عطیہ و میثاق و پیمان و محبت درود

عین در درها را با هست عین در راها

چون غنا دان در بیار و در بیار غنا

ظهور و ای حی فنده حلوسه بر من بلی

صورت و رخسار و چرخ و کون و چون و حق و خود

ها و در و ان جهتم و درخ غیاق نیم

دو کمر و رخ و ای سرشته و عیان و درود

فولاد و آتش و آتش و آتش و آتش و آتش

شفا لب حرف وادی هلا افتاده

جهت و جهت و جهت و جهت و جهت و جهت

بکم کنت در و در و در و در و در و در

نذیف و نیمه و نیمه و نیمه و نیمه و نیمه

القطر و التار و التار و التار و التار و التار

نرخ و رخ و رخ و رخ و رخ و رخ و رخ

چون عین و عین و عین و عین و عین و عین

اصغر و اصغر و اصغر و اصغر و اصغر و اصغر

هست حصا و حصا و حصا و حصا و حصا و حصا

سیرت و صان و نجر مج ما تر قلبا میخود

را در باغ بادیان سک جوی خوش و ناز

نشر شجره ای را کند شمر مجموع کود

تا جویان سالار بان کان فاجو نابکار

ساعتان مردی که بالامیر و عیال و فرد

القطعة الشایعة و غیر الخمت

سعال سرفه سرعت شتاب لبث درنگ

قصه کفر و اسع فلاح فیتق تنگ

هلاک اما دعوات مرمه قرا شعاع او

دور

نهر چه شکوفه صبح رنگ

اشک شکسته سر مجید لشر اقیع کل

اشک اقطع بل دست عدان اعرجی رنگ

قتل کشته عظم استخوان جمع کفار

جو غلذت فریدان خرم بلبلک

غراب باغ هزار ست غنایب کعبه

ولحسامه کرکی کیو تو است کلنگ

قصه غنا آمد و طرا کن برامه غری

چنانکه شعبان از دما تاسع هفتک

حیر طاهر طلیعه بدتر بیدار مری

نهر چه شکوفه صبح رنگ

اشک شکسته سر مجید لشر اقیع کل

اشک اقطع بل دست عدان اعرجی رنگ

قتل کشته عظم استخوان جمع کفار

جو غلذت فریدان خرم بلبلک

غراب باغ هزار ست غنایب کعبه

ولحسامه کرکی کیو تو است کلنگ

قصه غنا آمد و طرا کن برامه غری

چنانکه شعبان از دما تاسع هفتک

حیر طاهر طلیعه بدتر بیدار مری

فقاها دانش کافی ایند طبع منش

دلایل و دلایل از این حد قصه منک

همو قوی طبع و وضع مرغزار شناس

و تو می حاجت صلح استحقاق صورت

سویق دیشته جیش جیش بلغوش

جشب طعام دشت است حومه میونک

تغاران حتی فوج ضربت تله کوه

نجات خواب شقرا لاف و رونک

و کیت بد و کیت بد و کیت بد

آید

ادیب و ادیب اسودان ادیب فرهنگ

القطعه الثامنة من المجلد

نشر و جت لاله رابع بر دل

نرشک قدت سرمد پای و کل

نغول نغول نغول نغول

تقاریر این ورنه کوید حاصل

تراب و غامد شری خالک طایر کل

و کل جای که کرده در ربع منزل

رواسید و تراختت هر یک در

به تریقه نامشروع و مشکل

ادیب و ادیب اسودان ادیب فرهنگ
القطعه الثامنة من المجلد
نشر و جت لاله رابع بر دل
نرشک قدت سرمد پای و کل
نغول نغول نغول نغول

تقاریر این ورنه کوید حاصل
تراب و غامد شری خالک طایر کل
و کل جای که کرده در ربع منزل
رواسید و تراختت هر یک در
به تریقه نامشروع و مشکل



عجلی مصلی مصلی مصلی

چرخ تراخ عطف خطی شوم

لطیف سلیت ارب حاجت عرق خوی

فواوت قلب جنان ختادل

برین دوی دیک الحاق میکن

یکی منتقا شود دیکر چید

حسان اسپر باشد حجر ضدش

بوی بکر که شتر خیمه قرمیل

لی

این صفت خاص است اجماعی

عیر ضد اسان عویض است مشکل

عنویدت در شکن لغو است شدش

اصیف است غنیکین کیمیا است بیدل

ایا عارضت در شک خود شد ماه

کرمه در تقارب شود استاه

نقول نقول نقول نقول

بجای نقول نقول نقول نقول

Handwritten marginal notes in Persian script, including phrases like 'کتابخانه...', 'در...', and 'و...'

Handwritten marginal notes in Persian script, including phrases like 'است...', 'نقول...', and 'بجای...'

در کمال کمال که عالم را غلبه کند
در کمال کمال که عالم را غلبه کند
در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

در کمال کمال که عالم را غلبه کند

نقل

يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وباتوا جنبها

کتابتیں من الحرف الطریف

بعل شوره و غیر کلاه
القطعة العاشرة في الحنف
هو تيران بحر حاشية من حنف
اصل او مدرک مشوق لطیف
فاعلان فاعلان نعل
حالی بی بی من العرف الطریف

مَنْ عَنِ اِذْ اِلَى حَتَّى تَا

اِنْ كَوْ كَفْ جَوْنِ اَمْرَاوَا

فِي رَسْتِ عَلِي بِر كَم جِنْد

لَحْوَ نَا اِنْتَا وَاَنَا مَيَا

اَنْتُمْ كَم شَهَادِ اَيْنِ مَرْ

اَنْتَ تَوَانْتْ لِي وَلِي تَنْهَا

تَلَكْ اَنْ جِدْ تَلَكْ اِنْ مَرْ

صَرْفِ اَلْمَرْطَا اِلَى اَلْمَرْطَا

٥١

٢٣
اِنْ لَوْ كَرْمَتِي كِي لَا نَر

اِنَّمَا مِجْهِي مَاهِرْجَا

اَنَا جَوْنِ اِنْتِي وَاِنِّي مَنِ

مَا جُحِيَّتْ مَنِ كَمْعِ بَا

فِي سَبَلِ بَيْتِ بَعْدِ سَبَسِ

لِ اَمْرِي مَنِ اَلْمَرْطَا

صَدِّقْ مَكْنِ دَعْدِ دَرْ مَان

اَمْتِ اَلْمَرْطَا اِلَى اَلْمَرْطَا

٥٢

تَمْلِكُهَا وَهَاهُنَا الْيَمِينُ

عَیْرُ حَرْفٍ وَطَّ هَرْكٍ اِیْضًا یَنْزِ

رَبِّهِمَا وَدَّتْ لَهَا

رَبِّ هَذِي هَلِي اِي ر

مرد و راست دوست با هذا

میرقد و صحن و قد عصف قلع

طرفه زینبیه قبیح نازنینا

مجلس

مهلا استراش اها خوش

قلما اندک او بیچ نیک

الحادية عشر في محرم الحرام

رجا امید گرفت

روای نصف عدل صوت جرس اول

حضرت غایر غور است محل و قند

یفاع و بوی تل است بخند هضمه فراف

طعام خود بخور و به هیچ کس نده

0

از رخ مرق شور یا قلو لا قاز

قصید مغز ستر است و در مغز تنگ

مذلق قاق سمین فر به طویل دراز

مخفی دوع این شیر کمره کز نثر

کرام ناجیه جین بینر بصل بیان

سهمید ورمک نان سفید خل برکه

رعیف کرده بدایت ابتدا اعان

تلمح دان ریم جدی عنای غاله

چو به نثر کس صفی باری بار

صفی

صفی خمر مباری شواط مخلیب خلیک

حدید تر همین جیفان مقطع کان

تکرج است وضو آیدت بدت غزم

نیت قبله کعبه چون صلوة نماز

عطاس عطسه عجب لا غری حرام خور

حانه ها هان بدان بدلت تخت نان

علایقه علیر چهار اشکار خود

طیور فکر خیالند شکر جوی نان

رقعه

کلمه هم سخن حریف هم نیستیم

قریب بدیدم بود یار مقصد

بلقیس از
دور بر ایوب را بر می آورد
تا که در آن کوه را می بیند

القطعة الثانیة عشر فی بحر الاول

ای قوت هر دو عالم در سیه عام

سازد بحر اول با در یک سیر مقام

فا علان فاعلان فاعلان فاعلان

سازد بحر اول با در یک سیر مقام

و فر غطف فی خلاخل سید الاسر هم

مهرت دست خیز شوق چیر اسم نام

عقود

عقود ساخت از کما و قول گفت فعل کرد

جنبه چلو اچار همسایه ناکه بان

ساطح بام لونه نك ریج بوی باد غیم غین

میغ نوم خواب مشی وقت بعد دودی

لغت شلغم قبل تره زرع کشت ریج دخل

که در خمن خرم دست صعب

زید مکر دهن دین صوفی لیتیم

کوز کوز و قصید کاسه قدیم دیک کاس

شعر

حفت الماوی فرود و سیرین الد

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَثِيرٌ

القطعة الثالثة عشر في بحر المحبت

هر چه در این عالم دیدم و شنیدم
هر چه در این عالم دیدم و شنیدم

من غافل و غافل و غافل
من غافل و غافل و غافل

صبار و بطل باسل شجاع و دلیر
شعر خواسته و جاش کتان و غیر
غظفر اسد و لیث اسد و نهایت
هر چه

هر چه در این عالم دیدم و شنیدم
هر چه در این عالم دیدم و شنیدم

رقاد و محبت و خشن سهار و خوش طاس
بلبل باند ماخ سخی شیوان میر

حلب چه را بدیدم و شنیدم
چنانکه صاع صوب و حلقه باشد در

عوج کجی و ضرب کیه است بلند
چار روز احسانت عذیر قاع کویر

هر چه در این عالم دیدم و شنیدم
هر چه در این عالم دیدم و شنیدم

می‌موند ضعیف شود و امر سالم

التاسعة عشر فخر المضاعف

فرزند البتی قاسم ابراهیم است

یسرے طبیب طاهر از سر تعظیم است

بافاطمہ و فاطمہ ام کلثوم

زینب شمرا تو اسر تعلیم است

التابع عشر في بحر الخبز

موظف وازد و بی بی کی سید

الدَّاعِ عَتَرِي عَرَاهِي

بسم الله رب العالمين

اینها هم حیثی و فحهای ستر است

الخامس عشر في مخرج الخرج

نذ حوت می که با الی و غیره

بَدْعَالِيَه حَكِيم مَحْتَرَمَه

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتوبہ خیر و خیر

قوتان ریح صالح مدغم یسار زید

بود افع ضمیر کتبه مؤنث

فخرج أطفال مدني ميدان

بالم يكن وزولت احراب هسان

بیچ اول قد سمع و عذ حدید

فتح ليس بغير فضل الله الرحمن

الثامن عشر في بحر التقارب

رخبرستند مصطفی عفت قلعہ

هذا التبريد ان جان ملك سالم

في الجبل

مات

في الصلاة

وَالْمُتَّابِينَ

سید احمد علی

وہ

الفصل

کسی بدو ناعم و شوق و اندک

عموم من نظام سطح بسلام

القطعة الأخرى في بحر الحقيق ذكر اسمها بعض العلماء

کشتنای غیرت مه اولاد

وذن بحر خفيف شمس باع

دردهای کمر و ستون فقرات اصل و علاج

خشن لادغ استاعیای

جدری و مدوجلاک

آیه کنه
مدرسه آیه کنه
مدرسه آیه کنه

دورنوا

ناخبر خوشکاس و ضاعط

وان مفتوح کرو عقل شد جاک

وان مصلی که اوست عدل غناک

القطعة الاخرفی زمر الخرفی الجفیف

في ذکری اسماء التسمیه و رصید

بدان ای کمر که رویت خیر بهار است

بهرج بحر روان آید ارکشی

نوعی منوعی فعلی

شهرت اوقیم این شهرت جهالت

دولتین

دولتین دوکانون لیر اندک

سباط ازار لیان ایا راست

ماه رمضان / بهار ۳ بهار ۳ بهار ۳

خزان تموز آب ایلول

ماه بقا ۲ ۳ اول پاییز

بنا بستان کرمی غبار است

خود ایلول هر دو ماه دولتین

اول پاییز دوم و سیم پاییز

خرفیان وقت متی چهار است

توزستان را دوکانون سباط است

سنگین و کرمی و بادگان

سباط ازار لیان ایا راست

القطة الاخري في بحر الفرج الملقب لم في
 اسماء الفقه الفارسية
 صاويل كل زويت في آب كشايه
 نهان كردم محمد زنجبالت در نهان
 هرج اين گفت مام فزون اين نام فناميه
 ز فزون دين چيكد نشي مار فني
 بمان خود داد دير انكه كه من دايست هم فاني
 آفتاب هورا آفتاب در طان آفتاب در
 بيسار شهر مهر مهابان آندويي نان
 آفتاب از شهره - القطة

القطة الاخري في بحر الفرج في فني اسماء
 البقي بالتركية
 بحر هرج اخراست ايا فخر تبار
 مفاعلين مفعول مفاعلين فاع
 هرج حبل بلان همي كن كنار
 موش بقر يلكش خركوش شمار
 زين چهار چيكد نشي غنك ايد و مار
 رانكاه با انكوي سفيد متعاب
 حمدونه مع سنگ خور اخراست
 قانور نيز



دشمنان چرخان زهر است

مورخل سنجیدی دلو مقام

بیر جونا و خوشه سر طاف

خانه آفتاب شیر مدام

من کی گفته ام انجور ترا

تا بیا موزیش تمام تمام

القطعة الاخری فی بحر الحقیف

افرنیده پری مثلک و انکه هفت آمیزد چرخ فلک

بر یکماه

بر یکماه برد و میر است

باز ناهید در سیم میر است

شصت و پنج چار مت میدام

همچو بر رخ پنهان بهار

ششصد و پنج مشتیرا دك

صفیق است منزل کیوان

القطعة الاخری فی بحر الحقیف

صفیق کوکب که هست عالم را

دفعه بی تکرار است
مخبر تبار که از کوه است
در اندام پیر و در بر
دفعه بی تکرار است

در یکماه برد و میر است
باز ناهید در سیم میر است
شصت و پنج چار مت میدام
همچو بر رخ پنهان بهار
ششصد و پنج مشتیرا دك
صفیق است منزل کیوان
القطعة الاخری فی بحر الحقیف
صفیق کوکب که هست عالم را
دفعه بی تکرار است
مخبر تبار که از کوه است
در اندام پیر و در بر
دفعه بی تکرار است

دو
مکمل
نقد

پنج ویکر فرای برمران

الحق في الحق في الحق في الحق

پیر خورشید از آن رخساره شمس

کیو یک برج جای ماه بدان

القطعة الاخرى في بحر الخفيف

و د نام لای آمد تا خوب بنویسد

عم است که به وجه

همه بر کل به مهر نام را از آن بطلان چهار چیز

خو کلون که بلند در آن بان

خدا این حق و قوت

م م م م م م

العرفاء ارف

باریک تنک من سفید سیاه نیز

م م م م م م

القطعة الاخرى في بحر الخفيف

اسامی من بقدر تقارب

چه خولک کردی از آن عم فارغ

فعولن فعولن فعولن فعول

بکولین وزن ای مردان

بلیع جند من کاواست و آنکه

سنی رباعی سد لیسر اصالح

۴ ساله ۴ ساله ۴ ساله ۴ ساله

مخاض لبون استحقه جند من

ثنی رباعی سد لیسر بارک

القطعة الاخرى في بحر الخفيف

شماره روزگار و روزگار ماه و ده روز

در روزگار سال از آن فرمود

ای که در دلت نشویم هم در ماست

جان بیا بدغم تو دوتا

فاعلاتن مفاعلاتن فعلات

کوی بحر خفیف خواندند

اشعر عمر و حمیر و کهلان

مروا قتل و عامله ز صباست

القطعة الاخری فی بحر الخفیف

جمله ماتت در یک بیت منضومیده

بشنوای خواج نظام الملک مولانا حسن
شرط

شرط تغییر تعجب مدت فی خبر

مصدر محمد صالحیم استغفار من

القطعة الاخری فی بحر الخفیف

هشت حرمت آنکه انداز سی ناید همین

تا نیا موزی نباشی اندرین معنی معاف

بشنو کنون تا که مستاین جری فایاد
کی

تا و حار صاد صارطا و ظا و عین تاف

القطعة الاخری فی بحر الخفیف

در بیان این که
در بیان این که
در بیان این که

ای نامه خوشید و عزت بوی جسم ماه
در پناه سایه ارفاق و مهر و رحمت گاه

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

خبر بجز مدالین قلم بخواند حکما

نه فلز مستوی الحجب را چون کشتی

اختلاف و تفرق دارد هر یک کشتی

زیر لکن یقی الماس و هنر از نیر حل

فقطند آهن یکی مس شریف ماه
۱۴۰۰ ۱۴۰۱ ۱۴۰۲

در بیان این که
در بیان این که
در بیان این که

در بیان این که
در بیان این که
در بیان این که

القطعة الاخری الاخری

از این قطعه و نه سر و نه حمار

برده چشم تو از پند دل توان قرار

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن

روح مشعل

یکوی محبت این قطعه را بکن نکراد

نفی جفته هفتاد یکد بر سیاه

چل شش استر از این سنی منت شمار

ده صد است بر پیاورد آهن چل

در بیان این که
در بیان این که
در بیان این که

برخیزد چو بخت نقره بپا و چهار

القطعة الاخرى الاخرى

وخرجت بخوف كاد هانت غنيمت ذلك

تلتدروان دل خلت باعجا

مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن

بدان بحر حرام از نذر خوشن قطع حرام

گفت شاه معار و ده عضد یار و سیر اسان

و بحر نمک و بحر شوی بریان

صم

صم کتری بکرم کنای عرج لنگی بلم کوی

علم عالم علامه دانا و اسی پریشان

سحاب عارض و ز غمام ابر است ظل سایه

حیا و ابل و سمنی مدد و مطرباران

ربیع اسم چهار آمد حرفت اسم خزان آنگاه

شتا و صیف و خیز وستان آسمان

عقد حقم دشمن دان حذر خوف ترسیدن

و تاق بند نکل آمد حصین همچون چیه

Handwritten marginal notes in Persian script, including the number 39 in the top left corner.

عزیز

چهارم از نومه بینی بر احمق بند انگشتان

چهل و نهمین بابی بر احمد بن ابراهیم

نکست بخزوی دهان باشت دندان

دفرکنه بخل بخل آب بیدی دان

القطعة الاخرى والاخرى في الخبر

مخرج زکما را که با کوه و درختن

بی هیچ مشک تقطیع او چو در پست زین کربک

مستغلو مستغلو مستغلو مستغلو

مردود بختت نشود پیوسته از رخ کهن
طود

طوبی جبل طوبی علم کو هست حارر یا سبان

اری ضرب شهادت بجان ^{بکان} تا

میران ترانها حمل بار و قور وادی دود

فالك سفینه جاریه کشتی ^{بان} در ^{باد} عشق

لوح سکا که جو هوا ملا آن پر خالی هقی

شاه بلند قد سر معراج سلم رزبان

جمجمه طلوع و با عجمه بدن تن

زات هستی که بود روح نفس مجله

سودت خط و قلمت کبریا ملک
بر عوشت کیک خلدن موی عالم
تکلی است خوشی ز دست ملک شاهی
سودت مری خلدت قوی گشت بری
لاذکران عالم ز ساد اکل جوانان
طائران ساجد و طایران جاری و ان
جمع مری و مری و مری و مری
طائران شکو و طایران شکو
از آن فرشتگان که در آن

غیضت و غضب و عداوت دشمنی
تلقا حجت قرآن الیقین بیا آیت نشان
بطریق مستقیم است حل و عقد نشان
لا یستطیع من یخون فی حق شیء ان یریا
صلی بنک و طایر بنک و مری و مری
مقول زبان فو قنداک عالم و یار و خان و یار
القطر الاخری فی الاخر
ای سیم که است در آن عالم و یار و خان و یار
هر دو مری و مری و مری و مری
از آن فرشتگان که در آن

مفعول زائد بر مفعول اول این بحر اربعه خوانند

میرا بیاورد آن مذاق چون شجر درخت

چون می آید آنکه شکر برکت

کل جمیع قاطعه جمله آن همه

شطرت نصف نیمه خراست بعضی است

تشاء حیلارسلو جعفر حرد کرد

نفع چوده است آنات متاع رخت

خنده فریب میر شکر جمال زیب

نق باس کن چوب جندو خط

خنده فریب میر شکر جمال زیب
نق باس کن چوب جندو خط
خنده فریب میر شکر جمال زیب
نق باس کن چوب جندو خط

نخن سداب شود سیر قند باد بربک

دبا کو قریع تراوشد بد سخت

ماه شب چهارده بد است خرم سداب و ماهتاب

القطعه الاخری

ای طلت از نیک نام آردی زوق بخور خفیف اگر دار

فانعمی ماعن فعلی اگر تو بخور بلبلان کلار

سکر منی صومشاری نفعی و مظاهر باری

میر و مقنن مین حکم

مقلوب مدغم تباری

نخن سداب شود سیر قند باد بربک
دبا کو قریع تراوشد بد سخت
ماه شب چهارده بد است خرم سداب و ماهتاب
القطعه الاخری
ای طلت از نیک نام آردی زوق بخور خفیف اگر دار
فانعمی ماعن فعلی اگر تو بخور بلبلان کلار
سکر منی صومشاری نفعی و مظاهر باری
میر و مقنن مین حکم
مقلوب مدغم تباری
نخن سداب شود سیر قند باد بربک
دبا کو قریع تراوشد بد سخت
ماه شب چهارده بد است خرم سداب و ماهتاب
القطعه الاخری
ای طلت از نیک نام آردی زوق بخور خفیف اگر دار
فانعمی ماعن فعلی اگر تو بخور بلبلان کلار
سکر منی صومشاری نفعی و مظاهر باری
میر و مقنن مین حکم
مقلوب مدغم تباری

وین وین است وین سستی لبک

ذلت ذلت غلظت مرده مرده خاری

ابتهاجر است ضرع

استکانت تخرج راری

قبه حلقه عین سو کند

دستی اهل فتنه ز بهاری

یاء سر صرمان قنوط نومیدی

چون تعطل بطلان بیکاری

قره کبی

قره کبی قضاغه سک آلی

حرفه پیشه جری سراواری

ضرب جلد است عضو هر وزن

توکی او بر باق هندوی ماری

عرف خوش بوی عرفی سیکوی

سک مشک برای بزاری

القلعه الاخری رخ بحر الحفیضه

از دل برده ز کمر لاله درایت بر طیار

نه دیوانه ز بخت زلفت عمر بودای

مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

کوان از غم در بحر از دریا

وقوف حدت شعر علم خم دانای

عمار حلقه بشوید چون چو تنهای

عسار مکن چون بنشین فقر عیله درویش

مخاطب مکاتیل هایلولوبرای

شوه ضعیف ضعیف احدی قد حق کینه

مقیم تاره ناله طاقت قدوت ترای

بنس

تلبس یکباره آتش دوزخ کانون مشتاقان

کمان کز غلایوشش نغمه سوزای

رطب خرما قنولان خوشتره چون میوه دانه خوشه

نخیل لاله خرمابین چو سلاخی مرغی

سنا و کشف حیل نیست یک اسم کوهان دان

فتوة شد جو نردی بهیر ^{بنیای} حقیقت

الحی غمت ضرر دخت بل غمت غمت خمت

صوت است صوبت بی صعود امت ^ی بالا

مجموعه کتب
کتابخانه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حیات است و بجز فیضی بخند زاده

چند کھلک مردمی شب شب بر نای

القطعه الاخری فلاح و آخر

ای مشک خطرقمر نه بر صحنه قمر

خود را لب خوت دلیما را کل شک

مفعول فاعل فاعل فاعل فاعل

بحر مضارع آمده این بحر بر کھ

افعیل شفع مخفی لشکره دان ذکر

تکثیر یولاد این صفتش اشکاف کفشک خنجر

در این کتاب
کتابخانه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

خیزد خورشید من خورشید کس می
لستین نقش کشتن لست چون بنام
شکر استغنی حکیم کین اندون او
مهل و هالست قبلت فی این برین
خیمه خایم عاندر هار سب سرفاف
سفره مغال و سندر قاعه تال سر
کاموس بان سکا جیف لغو طیند لان تکیان
جاثوم هم مند و هتاک پرده در

از این که در این کتاب
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این

منهاج منهج جدد قصد راه راست

در شریعت عظم مورد آید

بدع بدیع بدیع بدیع بدیع

ادیب را ادیبان روزان ادیبان

ندان میاد منصف چاکم حیدر خج

محاتیل مستحق مال قلع تبر

مواطین منقله روز است من کلنک باشد

شرف زینت و کاره برز کو

اللقم

از این که در این کتاب
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این

از این که در این کتاب
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این

القطعة الاخری

ای جان من زنا و عشق تو کشته ریش

بر دل محبت زبانی هم تو بدیش

مفعول فاعل من مفاعل فعلن

این بحر شد مضارع ساز شوق تو

عرق چاکم دست حبه در شایان بدیش

مجه جعفر فضا فاض بود کتانه کیش

اعصاب کرد باد چید نکبا کر و شمال

بالجنوب ضد صابین بود بدیش

از این که در این کتاب
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این
در این کتاب که در این

$\frac{1}{2}$ $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{2}$

حج فرج است و لیکن ظاهر است لیست

بطن شکم فرو میسازد الیه عامه فسیله شتر مرغ

نعمه میش مرد رفتن از غلبه گفت صبح صبح

غزل سریشیم هم دلیق سرط دان سریش

الكل سياه چشم چه آنجل فراخ چشم

اشھل قومیش چشم شمر حید و قرابہ حویش
آقطقہ الکفری

ای بکردت صف نده حور انوار منظم

عمر محمد بن عبد الله بن حبيب

فا علان فاعلان فاعلان فاعلان

عقبه از مردی که از خواب بیدار شد

ستمع صور ذیف بخرم ناسر و جید سر

شاران خفف غزالست رشا آهوی

تقدیر سوراخ است منحل داسیو کرکته

کتابان ماشا ماشا کتاب ابن و فاضل

شیخنا فیم هم هر هسته دال

حیرتون شہلہ وردلیس شہر

میرزا کاظم

فَاعْلَانِ فَاعْلَانِ فَاعْلَانِ فَاعْلَانِ
عَسَى أَنْ يَكُونَ مِنْكُمْ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ

۱۰۸

محفوظ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

و حسن شقی مرا ویر صبح کمرش
چون آمان ماده خراست بخش قلب کز خر
هست منظر روی مرا سجده ایستد
لیک عیسی سلسله مو مان حلق است
بر عهد قرطاطینما کند یا لاله دانه الکاف
مقوله انوار است بخلافت علیقه عربی
القطعه الهی
ای برده میفرانده روی تو شعله
سرکیت تا روی تو مقابله

سلاح کشتی بان قتل بر کشتی بان
مجداب یل کشتی بان مرد بود خطه

مشطت شانه دلق کهن منات عصا
مرطکسا کلیم بود ان بعین چله

سقطت ز بر بقم خط سفر جو کتاب
تفتیش کجش کافش فحش مشکله

منجات رنده باشد منقار اسکینه
مستقیمه شرک چود دام قتل

سوار

معیار چیرانوی ز سنج هم دان
عمو ستاهین فلک کعبه باشد پلایه

القطعة الاخری فی الاقواس
ارباب کشت انا باران جی طوف و عاء

جرید یل مرض خستکی عرض کار
قتل حاتم نو دان جامعان عید

بر ذلک پرده خبا کلیم خود عبا
غیر آب کو رنده انرق صاف

شد عدوق کیش خضانه دریا
استاد پادار او دشمن از پای دار

عذیر چون کرب بدست نظر پیل

عمیق تر رفت و هر چه دیوانه عطا

حباب کو پدید آمد قرع آب معین

نفیض رگد و بقیه شطرن رس چو شا

سنان چو سنک فان لحاف سنک سنک

رخا مرچ سنک سنک سنک سنک سنک

لشف چو پاشنه سنک سنک سنک سنک

که سنک سر طاحونه اقدس رخا

تصویر

اشهد
بأنی
مکرم
الرحمة
علی
کلی
الخلق
و
بأنی
مکرم
الرحمة
علی
کلی
الخلق

عیر شیر معاون زکوة دخت بیوت

سیاح کل کاه معون سر بالا

فقیر ناه ملک طست کل میان دوخت

امام چو نردان ندان بنا حق

بانک حمار خود بانک بقر صیل بانک ورس

بانک صله است بانک در

الفقه الاخری

اعیوب بانک صلیح طین بانک مکس

نیاج بانک سک بانک کرک خیت عول

الانسانان
الانسانان
الانسانان
الانسانان
الانسانان

عذیر چون کرب بدست نظر پیل
عمیق تر رفت و هر چه دیوانه عطا
حباب کو پدید آمد قرع آب معین
نفیض رگد و بقیه شطرن رس چو شا
سنان چو سنک فان لحاف سنک سنک
رخا مرچ سنک سنک سنک سنک سنک
لشف چو پاشنه سنک سنک سنک سنک
که سنک سر طاحونه اقدس رخا
تصویر
اشهد
بأنی
مکرم
الرحمة
علی
کلی
الخلق
و
بأنی
مکرم
الرحمة
علی
کلی
الخلق

عجاست ویرای چهره فی سرون که درین باشد
مثل کواست شده ندهمتا

ناس الفز اناس اعمیان

پدر مادر را مرقوا

عز و ایو شمر غنیمت دان

نامه چو ختم شد بنام خدا

خبر چکا هو و سعتی اولین نویسد

عسکری رباب
سپهواره
القبیلان قلم لقیوم

باز کردی طبعش
غشوه کنایه جگر کز
بگویند که در دوزخ

نبت شد کنایه بصاب

الصبیاء از عورت ز آب استوف

بدعا لیس استغفار و صاف و العلقا

لا تخف منکم که در کتاب الله صبر اللان

ساکن که در سر لایحه و البین

مورز محمد که در مودوم صبر

و صد استند و صبح

۱۲۸۰

Handwritten marginal notes in Persian script, including phrases like "نبت شد کنایه بصاب", "الصبیاء از عورت ز آب استوف", and "بدعا لیس استغفار و صاف و العلقا".

کیفیت ساختن مرکب

بنام خداوند و در هر چه بنام صنع عظیم و درون کتب جاریست
مازود و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

امروز و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

کیفیت ساختن مرکب

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

بسم و در هر چه بنام در هر کتب جاریست

[illegible]

فانما انعم الله علينا
بما رزقنا من نعمه
والموتى من اهل القبور
الذين هم في قبورهم
يخافون من الله
فانما انعم الله علينا
بما رزقنا من نعمه
والموتى من اهل القبور
الذين هم في قبورهم
يخافون من الله
فانما انعم الله علينا
بما رزقنا من نعمه
والموتى من اهل القبور
الذين هم في قبورهم
يخافون من الله

فانما انعم الله علينا
بما رزقنا من نعمه
والموتى من اهل القبور
الذين هم في قبورهم
يخافون من الله
فانما انعم الله علينا
بما رزقنا من نعمه
والموتى من اهل القبور
الذين هم في قبورهم
يخافون من الله
فانما انعم الله علينا
بما رزقنا من نعمه
والموتى من اهل القبور
الذين هم في قبورهم
يخافون من الله

[illegible][illegible]

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم
والمؤمنات هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم
والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم
والمؤمنات هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم

الحمد لله الذي جعل القرآن منتهى الحكمة
والصراط المستقيم

والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم
والمؤمنات هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم
والمؤمنون هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم
والمؤمنات هم الذين آمنوا بالله ورسوله
وكانوا على صراط مستقيم

الحمد لله الذي جعل القرآن منتهى الحكمة
والصراط المستقيم

در مروف سال نظر کن و آن هشت حرف است
 که کلمه هجرت بود است به این بلام حرفش
 میشت اگر حرف سال یک باشد الف میگرد و آنهم یک
 و اگر دو باشد آن حرف میگرد و حرف هجرت
 و اگر سه باشد حرف جم میگرد و آن سه است و هم
 چنین باین قیاس هر سال که خواهد بود میگرداند
 از محرم شمرده به پند حرف باین ماه کدام حرف است
 مثلا بدین قرار است
 ج م ح ط ز س ع ه و ا ب گ د پ ف ی ک
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

بشرایق و قیاس و عدد حرف ماه ۸۱
 و عدد حرف هجرت جم میگرد و چهار عدد دیگر بر میگرداند
 و هشت عدد از او بیدارد مثلا اگر جمع حسابش
 برده برده هشت از او بیدارد و میماند و اگر جمع
 حسابش برده دوازده برده هشت از او بیدارد چهار
 میماند و ابتدای حساب از روز ششم کند و هر جا
 حرف آن روز بگرد غرة ماه آن روز است

اینان غیر از قیاس و عدد حرف
 در آن روز است و در آن روز

في سورت اقام الفعل

کرمی بدین فعل مکرر بدینکه نیست قسم ای برادر
 هیچ شایسته نیست نصف گفت نه قطع مضمون خوف
 ای معرفت مذکر السرفیه من مؤنثه

و شش ماه از ربيع ماده زتر تا در احكام شدت بهر
نور همان نور ماده شش ماه چنين گير تا نحو شش ماه
بر پاره از ماده شش گنج در رطل گنج است خواسته شش
ماه در کلام مبرج است قاعده چنان است بر پني چند
روز از ماده گذشت آن روز در چندان گنج و چندان

بر آن بیفزاید ملاحظه کن که آفتاب در کدام
مجاورت از آن برجی که آفتاب در اوست هر
برجی بویج حساب کنی هر جا که پنج آخر باشد شش
ماه و نه اوقات اگر یک ده یا سه یا چهار باشد
نیم ماه و نه اوقات

فرزند نبی قاسم و ابراهیم است
پس طباطبائی را در سر تعظیم است
یا فاطمه رقیه اتم کلثوم
زینب شمر از زاده تعلیم

إِلَّا الْحُورُ وَالْعَطِشُ

آفتاب روزه دار کز روزه نه خویش دهند نه مژدی

بجز از کتب و تشیع

إذا أمر الله بقوم حسن مطهر

بسم الله الرحمن الرحيم

شبه از فرنگم حد رسول که دست کنند از و باران

عن ابن عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

چلاؤ وہ کہ جو کچھ کہہ رہا ہے اس کی

۱۱۵۰ می فل حیدر مکاتیب

صلوات

جلد ہر دوں

124

15

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

$\frac{r}{\text{موسى}} - \frac{r}{\text{اسماعيل}} = \frac{r}{\text{اسحق}}$

فرمانده استوار استوار استوار

عمر بن الخطاب
عمر بن الخطاب
عمر بن الخطاب
عمر بن الخطاب

مارس ۱۶
نومبر ۱۶
اکتوبر ۱۶
سپتامبر ۱۶
اگست ۱۶
جولائی ۱۶
جون ۱۶
مئی ۱۶
اپریل ۱۶
مارچ ۱۶
فروری ۱۶
جنوری ۱۶

[illegible]

۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶
 ۵۰۷
 ۵۰۸
 ۵۰۹
 ۵۱۰
 ۵۱۱
 ۵۱۲
 ۵۱۳
 ۵۱۴
 ۵۱۵
 ۵۱۶
 ۵۱۷
 ۵۱۸
 ۵۱۹
 ۵۲۰
 ۵۲۱
 ۵۲۲
 ۵۲۳
 ۵۲۴
 ۵۲۵
 ۵۲۶
 ۵۲۷
 ۵۲۸
 ۵۲۹
 ۵۳۰
 ۵۳۱
 ۵۳۲
 ۵۳۳
 ۵۳۴
 ۵۳۵
 ۵۳۶
 ۵۳۷
 ۵۳۸
 ۵۳۹
 ۵۴۰
 ۵۴۱
 ۵۴۲
 ۵۴۳
 ۵۴۴
 ۵۴۵

مسجد احمدیه فرخنده

مسجد

[illegible]

۱۵۹۹

جلد اول از مفرد مبارکت که علم اولی طلب محمدی

ت از درگاه رب الاماب من بعد و این است
عز و جلاله

در میان ابراهیم و
در میان ابراهیم و

از کتب خطی
از کتب خطی

اول در وقت
روزه

از کتابها مذکور در این کتاب
است مرقوم در کتاب

از صفا
از صفا

از کوهها و حوضها و حوضها و حوضها

از حق اسم نظر به امام که

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or document, showing a page with a large, stylized initial 'K' (Kaf) and several lines of text.

ازین شهر
ازین شهر
ازین شهر

از سر کلاه چرخ بر سر کلاه
از سر کلاه چرخ بر سر کلاه

ز شمعیت خود ز سر دانه که سبزه
از مدامانده و از لود که سبزه

ز خدایا طوبی در این عالم
چو ز رخسارها آتش

از جمله اوصاف الحق در کتاب
محمود و در کتاب مشهور
از هم و در کتاب
لا اله الا الله و در کتاب
نورانی

از روزی که در غنا خود
از روزی که در غنا خود
از روزی که در غنا خود

فصل اول در شناختن
از نامهای که در خط
نقل و خط

Handwritten text in Arabic script, likely a title or chapter heading, partially obscured by a tear in the paper.

[illegible]

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

Y10222

موضوع

شماره اختصاصی (۱۴۸) از کتب هدائی : کم زار

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

كتاب نصاب الصبيان، (للتوتوت) و
مؤلف البزغزغز

